

بررسی دلایل پیدایش و پویایی شهرها در دوران صفویه و مقایسه آن با دوران کنونی در ایران

سید تقی حسینی مهر^۱

^۱ دبیر سازمان آموزش و پرورش شهرستان آمل

چکیده

مقدمه: شهر یکی از مهمترین مراکز سکونتگاهی انسان، و کانون رشد و توسعه است. این اصلی ترین کانون جمعیتی می تواند. عامل توسعه یا عدم توسعه باشد. هدف: پژوهش حاضر، بررسی مقایسه ای علل پیدایش و پویایی اقتصادی شهرها در زمان سلسله صفویه، و علل پیدایش و افول اقتصادی شهرها در دوران کنونی می باشد. مواد و روش: روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و به صورت کتابخانه ای و با بررسی کتاب ها و مقالات مختلف و به صورت کیفی و فیش برداری به انجام رسید. نتیجه: این پژوهش نشان داد. که علت رونق اقتصادی شهرها در دوران صفویه، پیدایش طبیعی و ارگانیک شهرها، به همراه توجه، با برنامه صفویان برای نیت دینی یا اقتصادی و دفاعی، و ارتباط چند سویه شهرها با پسرانه ها، و جامعه روستایی و ایلی بود. که از نظر فضایی باعث ایجاد شبکه کهکشانی، و از نظر اقتصادی باعث توسعه درون زا، و رشد تولید و صادرات، و برتری شغل کشاورزی و صنعتی را سبب می شد. و علت افول اقتصادی شهرها در دوران کنونی از زمان قاجار، پیدایش بی برنامه شهرها با تقلید از الگوهای غربی و برنامه های تمرکزگرای قطبی و بخشی و دخالت های منفعت جویانه افراد حقیقی و حقوقی و عدم ارتباط شهرها با پسرانه ها و جامعه روستایی و ایلی است. که نتیجه آن ایجاد شبکه زنجیره ای و توسعه برون زا و رشد واردات و مصرف گرایی و رونق بخش خدمات برای شهرهای ما بوده است. بحث: بنابراین از آنجا که شهرها می توانند چرخ های پیشرفت و توسعه و تولید را در تمام سطوح کشور به حرکت درآورند. برای خارج کردن شهرهای ایران از افول اقتصادی، بررسی دوران باشکوه صفوی از نظر رونق شهری می تواند الگویی مناسب و رهگشا باشد.

واژه های کلیدی: شهر، رونق اقتصادی، افول اقتصادی، صفویه، توسعه درون زا، توسعه برون زا

مقدمه

شهرهای ایران در زمان کنونی با مشکلات عدیده ای چون رشد بی رویه، بحران مهاجرتی و حاشیه نشینی، ترافیک سنگین، آلودگی و زباله، بیکاری و رشد بخش خدمات دولتی، و مصرف گرایی و واردات مواجه هستند. سوال اینجاست با اینکه شهر، کانون مدنیت و رشد و توسعه است (کرم و یعقوب نژاد، ۱۳۹۲: ۲۳۱). چرا در کشور ما شهرها نقش منفی و مخربی را برعهده دارند؟ و چرا در زمان صفویه شهرهای ایران نقش سازنده ای در عظمت و شکوه کشور بازی می کردند؟

در فرایند توسعه شهری ایران و به تبع آن در مکان یابی و احداث و رشد شهرها عوامل مختلف محیطی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری تأثیر گذار بوده اند. و میزان تأثیرگذاری هر یک از این عوامل در هر دوره متفاوت بوده است (سیف الدینی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۱).

در تاریخ ایران، حکومت صفویه شاخص تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی قرون متأخر می باشد. طوری که پراکندگی و عملکرد شهرهای صفویه در راستای تحقق اهداف شاهان صفوی، زمینه ساز تبدیل این شهرها به عنوان نماد تحولات اجتماعی و اقتصادی عصر صفوی شد (نوابخش، فتاحی، ۱۳۸۶: ۱۱).

ولی با گذشت زمان و در دوران ما با توجه سرشماری ها به این نتیجه می رسیم. که عدم تعادل در تمام سطوح به خصوص در شهرهای ایران ملاحظه می شود. و در حالی که جمعیت شهرهای بزرگ بیشتر می شود. از نظر اقتصادی شهرها با رشد واردات، مصرف و اشتغال در بخش خدمات، کارایی خود را از دست داده اند. طوری که شهرهای دوره ما در رفاه و برخورداری مردم، و رشد تولید و صادرات نقش را ایفا نمی کنند.

بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل پیدایش شهرها در دوره صفویه و دلایل پویایی اقتصادی آن، و عوامل پیدایش شهر در دوران ما و دلایل ضعف و ناکارآمدی اقتصادی آنهاست. بنابراین آنچه در اینجا مورد پژوهش قرار می گیرد پاسخ به سوالات زیر است.

الف. چه عواملی در پیدایش و توسعه شهرها در زمان صفویه نقش داشته اند؟

ب. چه عواملی در پویایی اقتصادی شهرها در زمان صفویه نقش داشته اند؟

ج. چه عواملی در پیدایش و توسعه شهرها از زمان قاجار تا دوره ما نقش دارند؟

د. چه عواملی باعث افول اقتصادی شهرها از زمان قاجار تا دوره ما شده است؟

پیشینه پژوهش

در زمینه عوامل تشکیل شهر و پویایی و افول اقتصادی شهرهای ایران تاکنون دکتر حبیبی در سال ۱۳۹۲، و دکتر مجتهدزاده در سال ۱۳۷۵، و دکتر رهنمایی در سال ۱۳۸۸، و دکتر رضوانی و دکتر نظریان در سال ۱۳۷۴ مطالبی را در موضوعات مختلف، از پیدایش و رشد کالبدی و یا روابط شهر و روستا، کتاب های وزینی را رشته تحریر درآوردند. همچنین درباره شهرهای دوره صفویه خانم نسیم حیدری نژاد در سال ۱۳۹۲، و فیروز مهجور در سال ۱۳۷۸، و دکتر تقوی و هاشمی زوج آبادی در سال ۱۳۹۱، مقالاتی را ارائه داده اند. درباره شهرهای کشور از زمان قاجار تاکنون مقالاتی توسط سیف الدینی و دیگران در سال ۹۱، و دکتر عراقی و دیگران در سال ۱۳۹۶، دکتر یوسفی فر در سال ۱۳۸۹ به نگارش و تحریر در آمدند. که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

از آنجا که شهرها مکان مولد و تولید کشور بوده، و پیشرفت کشور منوط به پویایی شهرهاست. و از آنجا که شهرهای کشور، باوجود نیاز مبرم کشور به پیشرفت و رفع بیکاری و بالا بردن رفاه مردم، دوران ضعف و رکود را طی می کنند. بنابراین واکاوی دلایل ضعف شهرها در زمان ما، و دلایل شکوه شهرها در زمان صفویه برای استفاده از تجربیات آن دوران، برای رفع نارسایی دوران ما، اهمیت و ضرورت این پژوهش را مشخص می کند.

روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی و به صورت کتابخانه ای با بررسی کتاب ها و مقالات مرتبط در این حوزه و به شیوه کیفی و از طریق فیش برداری صورت گرفت. دستاورد این پژوهش کیفی بوده و چارچوب نظری این پژوهش عبارت است از: بررسی دلایل پیدایش و رونق اقتصادی شهرهای دوره صفویه و دلایل پیدایش و افول اقتصادی آنها در زمان کنونی.

عوامل موثر در پیدایش و توسعه شهرها در زمان صفویه

دوره صفویه در تاریخ معماری و شهرسازی ایران، دوره طلایی به حساب می آید. در این دوره علاوه بر ایجاد شهرهای جدید، شهرهای متعددی که از جنبه مذهبی و یا اقتصادی واجد اهمیت بودند. توسعه و گسترش یافتند. در شهرسازی آن دوره که اوج شکوفایی اش در اصفهان به ظهور می رسد. سه رابطه انسان با خدا و انسان با طبیعت و انسان با انسان مورد توجه خاص قرار می گیرد (مهجور، ۱۳۷۸: ۶۵). و شهرهای این دوره به نماد تحولات اجتماعی و اقتصادی عصر صفوی تبدیل شدند (تقوی، هاشمی، ۱۳۹۱: ۹۸).

از همه مهمتر با انقلاب اقتصادی شاه عباس، می توان به ایجاد شهرهای نوین با عملکرد اقتصادی، در کنار تجهیز شهرهای توسعه یافته اشاره کرد. (کیانی، ۱۳۶۵: ۲۱۲-۲۰۷).

مهمترین عواملی که در شهرسازی ایران عصر صفوی موثر بوده است. عبارتند از ۱- عوامل جغرافیای و اقلیمی ۲- عامل نظامی ۳- عامل اقتصادی و تجاری ۴- عامل دینی ۵- عامل سیاسی ۶- عامل تشریفاتی (مهجور، ۱۳۷۸: ۶۶). این در حالیست که تکامل مناسبات اجتماعی همچون تقسیم اجتماعی کار، مناسبات اقتصادی شهری و روستایی و تعاملات دینی و مذهبی و سازمان اداری و سیاسی به نوبه خود از دیگر مولفه های اصلی در فرایند تکامل شهرها با عملکرد گوناگون به شمار می آیند (یوسفی فر، ۱۳۸۸: ۱۶۱-۱۴۸).

در این بین متغیرهای محیطی موثرترین عامل در روند شکل گیری شهرهای این دوره به شمار می رود (تقوی، هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۰۲). و طراحان و شهرسازان صفوی با شناخت توانمندی های محیطی منطقه، نظیر خاک مرغوب و حاصلخیز و رسوبی یا منابع آب کافی، شهرها را از منظر اقتصادی برپا میکردند (کریمیان، تقوی، ۱۳۸۹: ۷۱-۷۰). و علی رغم شکل گیری شهرها بر اساس ساختار ارگانیک، از قبیل رشد خطی و پراکندگی در مسیر جاده ها و رودخانه ها و باغ ها و کشتزارها، همواره توجهی نسبی به ایجاد پیوند و ارتباط منطقی میان طبیعت و کالبد محیط های طبیعی با عناصر انسان ساخت وجود داشته است. (یزدگرد، ۱۳۹۰: ۸۰).

در کنار این، با فرایند تجاری شدن ایران در قرن یازدهم هـ ق شهرهای نوین با مجموعه های جدید شهری، در کنار شهرهای توسعه یافته با هدف پی جویی سیاست های اقتصادی در سطوح ملی و منطقه ای، نقش مهمی را برعهده داشته است. شاهان صفوی و در رأس آن شاه عباس اول با احداث و توسعه شهرهای اقتصادی و تقسیم آن به سه بخش شهرهای تولیدی، واسطه ای و صادرکننده، چرخه پویایی تجارت ملی و منطقه ای را به وسیله آب راه های آزاد فراهم نمودند (تقوی، ۱۳۸۹: ۵۸-۶۰). و با تغییر مسیر تجارت به مسیر شمال و جنوب (تقوی، هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۰۰) و گسترش و تعمیق روابط صفویان با

کشورهای اروپایی از طریق تجارت خارجی، موجب ظهور و ارائه زیرساخت های اساسی در بخش های مختلف، خصوصاً زیرساخت های اقتصادی گردیدند. بدین گونه با احیاء و تأمین امنیت شبکه راه های ارتباطی از طریق احداث پل و کاروانسراها و فعال سازی بنادر شمال و جنوب در راستای تجارت دریایی و امنیت اقتصادی به وسیله بازپس گیری مناطق تصرف شده، و نیز در دست گرفتن تجارت کالای راهبردی ابریشم از طریق تبدیل املاک ممالیک به خالصه، موجبات رشد و توسعه همه جانبه شهرهای حکومت صفویان را فراهم آورد (تقوی، هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۰۰). و از آنجایی که گسترش تجارت و تغییر در فضای کسب و کار، با توجه به سیاستگذاری های کلان شاه عباس، نیازمند توسعه فیزیکی و وجود بسترهای لازم فضای شهری بوده است از این رویکرد ایجاد شهرها و مجموعه های شهری در کنار بافت کهن شهرها، در دستور کار قرار گرفت. مانند شهر فرح آباد در شمال ایران (تقوی و هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۰۳) همچنین شهرهای این دوره از منظر مکان گزینی شهری به وسیله مهندسان و شهرسازان صفوی به درستی انتخاب می شد. زیرا بسیاری از نقش های اقتصادی و اجتماعی، هنگامی برای یک شهر فراهم می شود. که آن شهر موقع مرکزی داشته باشد. موقعی که چند مسیر تجاری به هم می رسند. و یا همدیگر را قطع می کنند. نقش های تازه ای به نقاط محدوده مرکزی واگذار می شود. چنانکه شهر اصفهان در مرکز ایران از لحاظ نظامی و از لحاظ قرار گرفتن در شبکه تقاطع مهم راه های منطقه ای، و از لحاظ طبیعی در تقاطع اقلیم چهار فصل و خاک حاصلخیز قابل بحث می باشد (حیدری نژاد، ۱۳۹۲: ۱۸).

همچنین شهرسازان عصر صفوی در برنامه ریزی شهری خود، توسعه مراکز اقتصادی را بیش از پیش مورد توجه داشتند. و ضمن بنای شهرهای جدید و گسترش شهرهای قدیمی بر مبنای طرح جامع که از قبل مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته بود، صورت می گرفت. چنانکه ساخت شهر قزوین یازده سال و شهر اصفهان بیست و پنج سال طول کشید. و از نظر تجاری توسعه بازار به سمت جنوب شهر و در امتداد بازار قدیم و بر طبق نقشه قبلی معین انجام گرفت. و شهر اشرف و استرآباد نیز بر طبق طرح و نقشه قبلی بنا شدند (مهجور، ۱۳۷۸: ۸۰-۶۷). علاوه بر این عامل مذهبی نیز در گسترش شهرها اهمیت بیش تری می یابد و شهرها بر پایه ایدئولوژی و آرمان گرایی شکل گرفتند. چراکه تشیع مذهب رسمی کشور شد. و شهر اصفهان با تلفیقی از ایدئولوژی با همراهی شیخ بهایی، اوج شکوفایی ساخت شهر، را در قالب یک آرمان شهر ایدئولوژیک به ظهور رسانید (حیدری نژاد، ۱۳۹۲: ۱۷).

به این ترتیب باتوجه به اسناد دو مدارک می توان گفت. که مدیریت شهری در زمان صفویان و بالاخص در زمان شاه عباس، مدیریت علمی بوده و با کالای اقتصادی و در اتحاد مدرسه و میدان و بازار و اطراف آن، نمایشی اصلی و منطقی مکتب شهرسازی که در آن ضمن نیازهای حاکمیت و جامعه در کنار یکدیگر، از منظر زیبایی شناختی، تصویری متناسب و موزون را از سیمای شهر به نمایش گذاشته بودند (حیدری نژاد، ۱۳۹۲: ۱۹-۱۷).

دلایل پویایی اقتصادی شهرهای دوران صفویه

الف: شهرهای دوران صفویه، عموماً پسرانه هایی را احاطه کرده بودند. که موضع آن، دارای ویژگی های طبیعی و برخوردار از امکانات راه یابی، دفاعی و زراعی و آب رسانی بوده است. و انتخاب محل شهرها از آگاهی های عمیق نسبت به روستاها و محیط پیرامونی خود صورت می گرفته است. طوری که کلیه شهرها ضمن شکل پذیری از پسرانه های طبیعی خود، موجب شکل دهی و سازمان دهی به روستاها و شهرهای کوچک حوزه نفوذ نیز بوده اند. و گاهی این تاثیرپذیری تا حدی بوده است. که کلیه پدیده های اقتصادی و اجتماعی و مورفولوژی مناطق نفوذی را در بررسی گرفته است. و یک نوع وابستگی عمیق بین شهر و روستا و حوزه نفوذ به وجود می آورده است. و رشد و توسعه آن ها عموماً به اتکای منطقه متعلق به خود بوده است (رضوانی، ۱۳۷۴: ۱۳۴).

ب. سرمایه تجاری بر اثر هسته های صنعتی و کشاورزی و تجاری و بازرگانی، از دل تقسیم کار اجتماعی زاییده می شد. و بازرگانان و اصناف به سرمایه داخلی متکی بودند (حبیبی، ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۱۵). و چون در بخش زمین و ملک کسی سرمایه

گذاری نمی کرد. سرمایه به ناچار در بخش تجارت داخلی به کار انداخته می شد. و همین باعث رشد تولید و پویایی شهرها می شد.

ج. در دوران صفویه و حتی قبل از آن سه جامعه شهری، روستایی و ایلی چنان به هم پیوسته و وابسته بودند. که وحدت کار اجتماعی را ایجاد می کرد. و ضمن همسانی اجتماعی و اقتصادی بین این جامعه، شهرها در محیط پیرامون خود مستحیل میگردید. و در توافق کامل با طبیعت بیرون خویش قرار می گرفت (حبیبی، ۱۳۹۲: ۹۹). بنابراین رابطه شهر و روستا و اطراف آن رابطه ای چند جانبه بوده، و از نقطه نظر فرهنگی نیز وجوه مشترکی داشته اند (رضوانی، ۱۳۷۴: ۱۶۹). و به این ترتیب شهر و نواحی اطرافش به عنوان یک سیستم باز از نظر حرکت، جریان، شبکه، گره ها، سلسله مراتب و سطح و پخش در فضا و نظام منطقه ای (پیترهاگت، ۱۳۷۳: ۳۳ - ۳۲). در یک کلیت و در ارتباط متقابل عمل می کرد.

طوری که از یک سو میان کار و دادوستد کشاورزی، و از طرف دیگر میان دادوستد صنعتی جدایی پدیده نیامده بود. و به علت توسعه نیافتن تقسیم کار اجتماعی میان کشاورزی و صنعت، جامعه از جدا کردن تولید شهری و روستایی خودداری می کرد (رضوانی، ۱۳۷۴: ۱۷۰). و این دو اجتماع در واحد بزرگ تر منطقه ای که دارای پیوندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی بودند. گردآمده، و مانع تمایز شهر و روستا می شد. طوری که رابطه ای متعادل در بین تمام اجزای منطقه ای برقرار بود. و اقتصاد روستایی و ایلی با اضافه تولید محصولات کشاورزی و صنعتی و انتقال آن به شهر، اقتصاد تجاری شهر را موجب می شدند. و مراکز بزرگ شهری پیش تر اقتصاد مناطق دور از هم، واحدهای بزرگ تر جغرافیایی را به هم مرتبط می ساخت. و زندگی صنعتی در درون شهر پا می گرفت. و اقتصاد تجاری و صنعتی و کشاورزی متفقاً زمینه تازه ای را ایجاد کرده، طوری که در دوران صفویه شهرهای تولید کننده مثل یزد و کاشان و اصفهان و قزوین و برخی نواحی روستایی با تولید انواع پارچه ابریشمی و چرم و شیشه نقش عمده ای را در اقتصاد تجاری برعهده داشتند (رضوانی، ۱۳۷۴: ۱۵۳).

د. به علت برتری بخش صنعت و کشاورزی بر خدمات، سرمایه تجاری بر اثر هسته های صنعتی و کشاورزی و تجاری و بازرگانی از دل تقسیم کار اجتماعی زاییده می شد. که رونق آن هم در بازارهای محلی و هم در بازار شهر به عنوان ستون فقرات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی، که همه عملکردها را دربرمی گرفت، نمود می یافت. بنابراین اقتصاد متکی بر تولید زراعی و کالایی باعث رونق تجارت و ارتباط درون زا و حتی صادرات کالا می شود.

ه. بازسازی جاده ابریشم و ادویه و احداث کاروانسراها و قلاع نظامی و ایجاد شهرهای جدید در تقاطع راه های تجاری و در مسیر رودخانه ها و مجاورت سواحل، به همراه دادوستد داخلی و خارجی به ویژه تجارت ابریشم، که در انحصار دولت صفوی بود. توسط انگلیسی ها و هلندی ها از طریق خلیج فارس صورت می گرفت. و رونق و شکوفایی اقتصادی این دوره را به همراه داشت. و منجر به شهرنشینی و بازسازی شهرهای قدیمی شد. و شهرهای صنعتی و بازرگانی مرکز و غرب و شمال ایران از جمله شیراز، قزوین، همدان، قم، کاشان، یزد، کرمان، رشد، لاهیجان، تبریز، اردبیل و ... به سرعت گسترش یافتند (رضوانی، ۱۳۷۴: ۶۳).

ج. در دوران صفویه شهرها بر مبنای چهار نظم مادی یعنی آب، گیاه، خاک و هوا و یک نظم معنایی شکل می گرفت (حبیبی، ۱۳۹۲: ۱۰۳). بنابراین شهرها با توجه به ذات درونی و محیطی خود تولیدکننده بودند. که این در وسعت و جمعیت و سطح زندگی و رفاه شهرهای آن دوره مشهود است.

چگونگی تشکیل و توسعه شهرهای ایران از زمان قاجار تا دوران کنونی:

شهرهای کهن ایرانی که با برقراری پیوند کالبدی و فضایی میان مولفه های اقتصادی، اجتماعی و اداری، فرهنگی، زیست محیطی و نظامی به صورت یکپارچه، و بر اساس ساختار طبیعی و ارگانیک شکل می گرفتند. از زمان قاجار به خصوص در

زمان ناصرالدین شاه این روند تغییر کرد. و به صورت تقلیدی و با تفکر و نقشه و سیستم غربی، شهرها گسترش یا تشکیل شدند.

در زمان ناصرالدین شاه با خراب کردن برج و باروها و استحکامات دفاعی سابق و پر کردن خندق شهر، تهران از سوی دروازه شمیران ۱۶۰۰ زرع و از سه سوی دیگر ۱۰۰۰ ذرع توسعه یافت. و چند مهندس فرانسوی مامور این کار شدند (مجتهدزاده، ۱۳۷۶: ۸۷).

در سال ۱۳۰۹ و در زمان رضاشاه، اولین نقشه دگرگونی تهران به عنوان نقشه خیابان ها و قانون بلدیه برای مداخلات سنگین در بافت کهن شهری ایران، با خراب کردن دیوارها و دروازه های قدیمی و احداث خیابان جدید به صورت نوگرایانه و بدون برنامه اندیشیده شد. در سال ۱۳۱۲ قانون تعریض و توسعه معابر و خیابان ها، و در سال ۱۳۱۶ تهیه نقشه تهران به وسیله مهندسان فرانسوی با نقشه کاملاً محتوایی خارجی به وقوع پیوست. که کاملاً با جنبش معماری و شهرسازی مدرن و بین المللی مطابقت داشت. و طی آن شبکه شهر از نوع شطرنجی، و عملکرد شهر براساس منطقه بندی تعیین شد (همان: ۱۲۴). کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بعداً اصلاحات اراضی در سال ۱۳۴۰ در تاریخ عصر حاضر از چند جهت نقطه عطفی تلقی می شود. اول اینکه نفت به عنوان منبع اقتصادی در سطح ملی تلقی شد. و از این دوره به بعد شهرهای ایران با اتکا به مازاد اقتصادی حاصل از صدور نفت به محور اصلی تحولات جامعه تبدیل می گردد. با گسترش روز افزون تجارت خارجی و سرمایه گذاری و وام های خارجی شهرهای ایران هرچه بیش تر به مکان تحقق تجارت جهانی و تمرکز اقتصاد ملی حاصل از درآمد نفت تبدیل شد به این ترتیب شهرها به محلی برای بسط مناسبات سرمایه داری و مکانی برای توسعه و اشتغال نیروی کار بدل گردید. و با کاهش نقش روستا از جهت کشاورزی، جمعیت مازاد روستاها برای پیدا کردن کار به شهرهای بزرگ روی آوردند. و شهرهایی مثل تهران به سرعت و بدون برنامه گسترش پیدا کردند (مجتهدزاده ۱۳۷۶: ۱۲۸). به نقل از (حسا میان، ۱۳۶۳)

از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۵۶ برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به اجرا درآمد. که طی آن چون سرمایه گذاری های کشورهای خارجی ایجاب می کرد. که قبلاً زیر ساخت های قطب های توسعه فراهم شود پیش تر قطب های صنعتی، کشاورزی و تأسیسات زیرساختی قطب های توسعه مورد توجه قرار گرفت. و این تصمیمات و روابط با سرمایه کشورهای سرمایه داری جهانی، شهرها را در ایران گسترش، و نیازهای زیرساختی شهرها را پراهمیت ساخت (صرافی، ۱۳۷۷: ۷۶-۷).

در سال ۱۳۴۲ وزارت آبادانی و مسکن و از سال ۱۳۵۳ با نام وزارت مسکن و شهرسازی و معماری تشکیل شد. که از این زمان وظیفه رسیدگی به مسائل شهری، تهیه مسکن، و اشتراک مساعی شهرداری ها را به منظور تهیه و اجرای طرحهای آبادانی شهرها را (طرح جامع، تفضیلی و هادی) از وظایف این وزارت قرار داد. (صرافی، ۱۳۷۷).

البته قبل از آن از سال ۱۳۴۵ تهیه طرح های جامع شهری در دستور کار دولت قرار گرفت. که مشکلاتی مثل افزایش جمعیت و مهاجرت، و بعدها محیط وسیع تر از شهر و منطقه عملکردی آن را نیز شامل می شد (مجتهدزاده، ۱۳۷۶: ۱۳۴).

از سال ۱۳۵۰ شهرهای ایران، تأثیر دلارهای نفتی را به علت افزایش قیمت تجربه کردند. و این جریان نخست بازار زمین را در شهرها فعال کرد. و با سرمایه گذاری توسط سوداگران زمین و افزایش قیمت آن، مسکن و شهر بدون زیر ساخت و برنامه توسعه یافت. که ضمن بلعیدن باغ ها و زمین های با ارزش اطراف شهرها، روستاهای اطراف شهرها نیز بدین وسیله توسط شهر بلعیده و در آن ادغام شدند.

عوامل موثر در افول اقتصادی شهرهای ایران از زمان قاجار تا دوران کنونی

الف - عدم توجه به عوامل محیطی و جغرافیایی :

از زمان رضاشاه توسعه معابر و خیابان های شهر، متاثر از جنبش معماری و شهرسازی مدرن در تقابل با شیوه زیست و حتی شرایط اقلیمی خود را عرضه می دارد (حبیبی، ۱۳۹۲ : ۵۸). پر واضح است که استقرار هر سکونتگاهی اعم از شهر و روستا، اگر بدون پی بردن به استعداد و محدودیت های واقعی باشد. نمی تواند گویای واقعی روابط انسان و محیط باشد. زیرا لازمه توسعه پایدار و همه جانبه، توجه به توان و استعداد هایی است که محیط ارائه می دهد (آسایش، ۱۳۷۵ : ۲۷).

و همین نادیده انگاشتن جغرافیا و جغرافیدانان در برنامه ریزی های شهری، علت اصلی ضعف ساختاری و عملکردی شهرهای کشور می باشد. درحالیکه در گذشته سکونتگاه های ایران در دامن محیط خود پرورانیده می شدند.

ب - از بین رفتن رابطه ی شهر با پسرکانه ها و جامعه روستایی و ایلی:

پس از انقلاب مشروطه، حکومت ها در پی تغییرات برون زا و وابسته به بیگانه در کشور بودند. و خمیر مایه آن را، تحول نه در گرگونی، بلکه باید در انقطاع جستجو کرد. و نتیجه آن قطع رابطه با واقعیت، و نبود بستر مناسب در ایجاد یک آرمانشهر بوده، و به این ترتیب یک سازمان دیوانسالار مستقل از تقسیم بندی های اجتماعی کهن تشکیل می شود، که ضمن استیلاء و انقطاع تاریخی از سه جامعه شهری، روستایی و ایلی، به همراه تجدد طلبی و اصلاحات اراضی و ملی کردن مراتع، باعث نابودی زراعی، و خارج شدن روستائیان و ایلات از چرخه تولید، و مهاجرت آنها به شهر شد (حبیبی، ۱۳۹۲ : ۱۶۱ - ۱۵۰).

همچنین با غلبه کامل تفکر غرب، شهرها در تضاد با سنت های کهن زیست و روش زندگی جدید، شهر مظهر تمدن، و روستا مظهر عقب ماندگی تلقی می شوند. و در چهارچوب جدید روابط دولت و کشور، همه امور به مرکز یا پایتخت واگذار می شود. و شهرهای ایالتی که تا پیش از این رابطه ای نیمه مستقل با مرکز به سر می بردند. از این پس رابطه ای جدید و در حالتی کاملاً وابسته با مرکز قرار می گیرند (همان : ۱۵۷ - ۱۶۲).

بنابراین گسست بین شهرها، و شهرها با پسرکانه ها و جامعه روستائی و ایلی از دلایل دیگر در افول تولید اقتصادی آنها در ایران است.

ج - واردات کالا و سرمایه خارجی و افول بازار

از زمان قاجار و آشنایی با دول غربی و دخالت کشورهای استعمارگر، هم زمان با فروپاشی سازمان تولیدی کشور (حبیبی، ۱۳۹۲ : ۱۱)، و هجوم سرمایه و سرمایه داران خارجی برای در اختیار گرفتن سازمان اقتصادی کشور، اتفاق افتاد. و این باعث پیوستگی مستقیم و غیرمستقیم ایران به بازارهای جهانی شد. و استحاله جامعه به سوی جامعه مصرفی آغاز گردید (جمال زاده، ۱۳۶۲ : ۳۴).

و جامعه شهری بی آنکه هسته های صنعتی را در خود جای داده باشد. و بی آنکه گذار از اقتصاد کارگاهی را به اقتصاد کارخانه ای شناخته باشند. و سرانجام بی آنکه به جامعه تولیدی بدل گشته باشند. از چرخش کالا و سرمایه و روابط سوداگرانه ناشی از آن روزی می یابند. سرمایه ای که از هجوم سرمایه و کالای خارجی و بعدها از سرمایه نفتی به عنوان درآمد دولت فراهم می شود. باعث گسترش نوگرایی با جنبه جهانی بر منطق سود و سرمایه و ایجاد بازار جهانی و از میان رفتن بازار محلی، و توقف حرکت درون زا بوده است (حبیبی، ۱۳۹۲ : ۱۵۲ - ۱۵۳).

و بازار که شاخص اصلی شهرهای ایران بود. و با کالاهای داخلی خود اتکایی داشت. با رشد تجارت خارجی و در معنای صدور مواد خام مورد نیاز صنایع خارجی، باعث ایجاد جامعه مصرفی و وابسته در تمام ابعاد اقتصادی و سیاسی می شود. و با ورود پول نفت و ادامه روند گردش سرمایه ها، شهرهایی که از دیرباز نقش بازرگانی داشته اند. با گشودن درها به روی تجارت بین المللی رونق خود را از دست دادند (حبیبی، ۱۳۹۲ : ۱۳۳).

د- نقش نفت در افول اقتصادی شهرهای ایران:

صادرات نفت و افزایش قیمت آن و ورود سرمایه نفتی به عنوان درآمد، به دولت اهمیتی بخشید. که در تاریخ کشور سابقه نداشته است. پس از آنکه خزانه دولت از سرمایه نفتی آکنده، و دولت بی نیاز از تولید جامعه، صاحب مکتب شد. در فروپاشی سازمان تولید، این جامعه است که نگاه به دست دولت دارد. و دولت قانونگذار و مجری به دولت روزی بخش به مردم تبدیل می گردد (حبیبی، ۱۳۹۲: ۱۵۳). و از سویی با منطبق توسعه برونزا و از سوی دیگر با استقلال مالی، به صورت کالبدی و محتوایی در شهرها نیز نقش آفرین می شود (همان: ۱۵۳).

به این ترتیب دولت از موقعیت کارگزاری به موقعیت کارفرمای بزرگ و کلان در کشور رسید. و با تجاری کردن پول و سرمایه در شهرها از طریق نظام بانکی گسترده ای که در اختیار داشت. به توسعه شهر و شهرنشینی کمک کرد (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۱۴۳). و با تمرکز عملکرد و استقرار سازوکارها در شهرهای بزرگ، دولت عامل مهمی در عدم تعادل بین نقاط شهری تبدیل گردیده است.

دولت امروزه با ارتقای منزلت اداری و سیاسی برخی از مراکز، و تبدیل آنها به شهر و یا توسعه عمومی بعضی از شهرها، ضمن اعمال اراده حاکمیتی خود و ادامه دخالت به خواست عوامل ذی نفوذ بعضی از شهرها در بدنه دولت، و به همراه دخالت مالی از طریق پول نفت، و نظامند کردن جریان گردش پول و سرمایه، و با تمرکز خدمات برتر در شهرها براساس نظام سلسله مراتب اداری به شهرهایی خاص منزلت بیشتری می بخشد. در حالی که آن شهر، مستعد این منزلت نیستند (راهنمایی، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

و با ورود دلارهای نفتی و ورود آن ها به بازار زمین و ساختمان، بسیاری از زمین های دور و اطراف شهرهای بزرگ مورد استفاده سوداگرانه وسیعی واقع شده، و شهرک سازی در اطراف شهرهای بزرگ در مقیاس وسیعی آغاز می گردد (حبیبی، ۱۳۹۳: ۱۹۵).

و همین باعث افول شهرهای ایران در بخش تولید درونزا و خوداتکایی آن ها می شود.

ه- نقش افراد و رانت های با نفوذ در افول اقتصادی شهرها

مداخلات و اعمال نفوذهای رسمی و غیررسمی در اختصاص منابع ملی به مناطق، و بین میزان دسترسی و نفوذ مناطق در ساختار قدرت مرکزی، و توانایی جذب منابع ارتباط مستقیمی وجود دارد. نتایج مطالعات نشان می دهد. برخی از مناطق که عموماً پیشرو در کشور هستند. اساساً به واسطه نفوذ بیش تر در ساختار قدرت مرکزی، چه به صورت رسمی و غیررسمی، بهره بیش تری از منابع و بودجه های ملی و طرح ها را می برند. و اصولاً با بهره جستن از منابع ملی توانسته اند. در زمره مناطق پیشرو کشور قرار گیرند (فرجی راد، کاظمیان، ۱۳۹۱: ۷۸).

با ایجاد حکومت متمرکز در ایران، قدرت های منطقه ای سرکوب و مسئولان مناطق و استان ها توسط مرکز و با تکیه بر سازمان بخشی به جای سازمان های منطقه ای روی کارآمدند. و به تدریج با درآمد متکی بر نفت و کاهش اتکا به جریان مازاد از مناطق به مرکز، این سیاست ها بیش تر رونق یافت. و هم زمان با آن ساختار سازکاری برای اختصاص منابع برای توسعه مناطق، در نبود برنامه آمیشی و فضایی توسعه، باعث اعمال نفوذ برخی از مناطق و شهرها در جذب منابع و بودجه های کلان ملی شد (فرجی راد، کاظمیان، ۱۳۹۱: ۸۰).

بنابراین دیری نپایید که ناموزنی منطقه ای و شهری در شکل امروزی آن در نتیجه اجرایی برنامه های مدرن توسعه در کشور، به تدریج از دهه ۱۳۳۰ بروز یافت. همچنین در چارچوب نظام متمرکز در ایران مناطق پیشرو که نقش و نفوذ بیشتری در ساختار قدرت مرکزی دارند، توانسته اند. به میزان بیشتری خود را با برنامه توسعه ملی انطباق داده، و در نظام تصمیم

گیری و برنامه ریز کلان ملی تاثیر گذار باشند. و از مزایای آن بهره بیشتری ببرید (یوسفی، ۱۳۸۴: ۵۷). عاملی که باعث عدم تعادل در نظام شهر و کاهش قدرت تولیدی و اقتصادی شهرهای کهن و مستعد کشور شد.

ج- فقدان راهبرد از پایین به بالا

از آنجایی که سیاست عمومی اقتصاد باید در پایین ترین سطح ممکن و در سطح محلی سازماندهی شود (یثنبوت، ۱۹۵۶: ۲۲). بنابراین سیاست عمومی غیر متمرکز رقابت بین شهری را برمی انگیزد. و هنگامی که اشخاص و شرکت ها در جستجوی مکان فعالیت یا زندگی هستند. شهری را انتخاب می کنند. که تسهیلات آن به سلیقه شان نزدیک باشد (مولر، ۱۹۸۹: ۵۴). زیرا دولت محلی در پایین اطلاعاتی دارد. که دولت مرکزی فاقد آن است. و مراجع محلی قادرند اطلاعات بهتری در زمینه موقعیت ها ارائه داده، و نیازها و مسائل محل را درک کنند (اوتس، ۱۹۹۹: ۱۲۷). بنابراین رقابت بین شهری براساس رقابت مقلدانه نتیجه نمی دهد. و دولت محلی در پایین باید سیاست های خود را بر اساس امکانات و شرایط محلی تنظیم کند. موضوعی که در کشور ما به علت دستوری بودن دولت مرکزی و برنامه جامع دیکته شده از بالا به همراه سلیقه و نفوذ و دخالت انجام می گیرد. و مسئولین محلی انتصابی قادر نیستند. براساس موقعیت خود تصمیم گیری کنند. بنابراین در نظام شهری عدم تعادل و ناکارآمدی رخ می دهد.

ت- فقدان فرهنگ برنامه ریزی و برنامه پذیری

نبود فرهنگ برنامه ریزی در نظام برنامه ریزی کشور را می توان از دیگر موانع در راه توسعه منطقه ای و تعادل فضایی و توسعه شهرهای کشور دانست. در تشکیلات اداری کشور مدت هاست. که فرهنگ برنامه ریزی و تفکر برنامه ای به مفهوم آن نتوانسته است. در شبکه کارگزاران دولتی به صورت حقیقی چهره واقعی خود را نمایان سازد (چمران، ۱۳۸۷: ۲۲۸).

در زمینه طرح ها و برنامه های توسعه، بحث های انتقادی که صورت می گیرد. این است که برنامه ها تا حدود کم و بیش از طرف کارشناسی خارج می شود. و تحت تاثیر عواملی چون خواسته های مدیران با مسائل سیاسی، به حق یا ناحق قرار می گیرد « این مطلب که هر بخشی توقع دارد امکانات در اختیار آن قرار گیرد. » طبیعی است اگر منابع محدود باشد. نمی توانیم امکانات را در اختیار همه قرار دهیم. و در نتیجه هر که زور بیشتری دارد، می خواهد امکانات را بگیرد. و آن هایی که زور کمتری دارند. و یا معتدل تر فکر می کنند. سرشان بی کلاه می ماند. و به این ترتیب برنامه از موقعیت کارشناسی خودش خارج، و متلاشی می شود (حبیبی، ۱۳۸۷: ۳).

این موضوع را کارشناسان ارشد، گروه مشاور ها وارد در ایران چنین جمع بندی می کنند. که «سیاست ایرانی ضد برنامه ریزی است.» (صرافی، ۱۳۷۷: ۸۰). بنابراین در فرایند تهیه و اجرای برنامه های عمرانی کشور، مسئله فرهنگ برنامه ریزی و فقدان آن در بسیاری از دستگاه های اجرایی (قاضی زاده، ۱۳۶۹: ۹۸). در عدم تعادل و در پیدایش و توسعه ساختاری و اقتصادی شهرهای کشور نقش اساسی دارد.

ث- برنامه ریزی بخشی

برنامه ریزی بخشی که در یک بخش اقتصادی یا اجتماعی و زیر بنایی در قالب استراتژی توسعه ملی صورت می گیرد (زیاری، ۱۳۸۸: ۳۲). در مقابل برنامه ریزی منطقه ای بوده، طوری که مناطق و شهرها در تهیه و تنظیم برنامه ملی مشارکتی جدی و سازمان یافته ندارند. به همین دلیل برنامه های توسعه، فارغ از توانمندی و ظرفیت ها و محدودیت های مناطق کشور تهیه شده اند. و نمی تواند متضمن توسعه و رشد متوازن بخش های کشور شود (وزارت کشور، ۱۳۸۰: ۵۰).

اگر دیدگاه بخشی را در برنامه ریزی کشور به طور خاص و عام مطالعه کنیم. شامل عمده سیاست گذاری های توسعه در ایران است. که تا حد زیادی، ناموزنی های منطقه ای موجود را می توان بر اساس آن تحلیل کرد (فرجی راد، کاظمیان، ۱۳۹۱: ۲۳).

نتیجه چنین نگرشی، ترویج راهبردها و سیاست های کلان اقتصادی و اجتماعی و بی توجهی به ابعاد فضایی و مکانی برنامه بوده است (صرافی، ۱۳۷۹: ۶۹). و همین عدم تطبیق برنامه ها با واقعیت های موجود در هر شهر و منطقه و تکیه برنامه ها بر توسعه نامنسجم در مقیاس کشور می باشد (حبیبی، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

در واقع مدیریت ایران قبل و بعد از انقلاب همیشه اسیر جنگ قدرت و موازی کاری ها و کارشکنی ها بوده است. که نتیجه مدیریت وزارتخانه ای و بخشی است. که نه تنها کمکی نمی کند. بلکه مانع حرکت رو به جلو است. و به علت تفاوت رویکردها و بدبینی ها تنها بر روی اسناد باقی می ماند (هراسانی، ۱۳۹۳: ۳).

علاوه بر این جنگ قدرت توسط نمایندگان شهرها در مجلس و نخبگان شهرها که پست های کلیدی دارند. برای توسعه شهر خود توان هر نوع ابتکار و خلاقیت و پیشرفت را سلب می کند. (هراسانی، ۱۳۹۳: ۱۱).

ج- سیاست های تمرکز گرا

برنامه ریزی متمرکز یا از بالا به پایین، فرایندی است. که در آن امکانات و منابع و نیازها در سطح بالای حکومتی، توسط تصمیم گیرندگان سیاسی مملکت اتخاذ، و به واحدهای سلسله مراتب پایین ارجاع می گردد (زیاری، ۱۳۹۳: ۳۶). که آن عمده منابع تخصیص یافته به مناطق، ارتباط چندای به پتانسیل ها و نیازهای مناطق نداشته، و در نتیجه شکاف و دوگانگی بین مناطق افزایش می یابد. و مدیریت تمرکزگرا و حضور دولت مرکزی در تمام وجوه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منجر به بوروکراسی حجیم اداری متورم و ناکارآمد گردیده است. و عدم تعادل و توازن منطقه ای نتیجه آن است (پور محمدپور، ۱۳۸۹: ۹۳).

نظام متمرکز به علت عدم واگذاری اختیارات به سطوح پایین محوریت انسان را در امر توسعه نادیده می گیرد (جمالی، ۱۳۸۵: ۱۰۷). و از سویی گسترش اشتغال در شهرها بر پایه عملکرد بخش خدمات استوار است. که عمدتاً بر اساس اشتغال سازی فعالیت های عمومی و اجتماعی رشد نموده، که محصول گسترش دستگاه های دولتی در جوامع شهری است (احمدی پور، ۱۳۸۵: ۱۷۰). به طور کلی بوروکراسی پیچیده و بازدارنده، ضعف مسئولیت پذیری مردمی و عدم رشد استعدادها و خلاقیت های منطقه ای و پایین بودن سطح مشارکت اجتماعی در عدم تعادل سلسله مراتب شهری کشور موثرند (احمدی پور، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر به منظور مقایسه علل پیدایش و پویایی اقتصادی شهرها در دوره صفویه و بررسی علل پیدایش و افول اقتصادی شهرهای دوران کنونی است.

پژوهش نشان داد که در دوران صفویه به علت تسلط محیط بر انسان، عوامل محیطی نقش تعیین کننده ای در توزیع فضایی و ساخت شهرها داشته است. این عامل به همراه متغیرهای سیاسی و اقتصادی و دینی، باعث پیدایش و توسعه شهرها، و نظم فضایی و ایجاد شبکه کهکشانی و پیوستگی تمام اجزای درونی کشور به عنوان یک سیستم (انسان، محیط و اجتماع) در ارتباط متقابل بین گره ها و شهرها و روستاها و ایل، به همراه امنیت ارتباطی و ساخت پل و کاروانسرا و بازی سازی جاده ابریشم و تجارت خارجی با اروپا و مدیریت علمی در ساخت شهر، باعث برتری بخش کشاورزی و صنعت بر خدمات، و تأمین سرمایه تجاری از بطن این سیستم و ایجاد حرکت درون زا برای توسعه و رشد تولید و صادرات در کشور شده بود.

اما از زمان قاجار و پهلوی به علت الگوی تقلیدی از غرب در ساخت شهرها، به همراه دخالت ها و برنامه های غلط، و ورود کالا و سرمایه خارجی و دلارهای نفتی، نقش عوامل محیطی و ارگانیک در تشکیل و رشد شهرها کاهش یافت. و جای آن را سیاست های تمرکزگرای بخش و قطبی و دخالت های فردی گرفت. و این باعث از بین رفتن رابطه شهر با پسرانه ها و روستا و جامعه ایلی، و افزایش جمعیت شهر بر مبنای سیاست های غلط اقتصادی شد. که نتیجه آن ایجاد شبکه زنجیره ای در پراکنش فضایی کشور و پدیده نخست شهری و ماکروسفالی و تشکیل شهرهای انگلی بود. که گسیختگی اوضاع اقتصادی، اجتماعی و کالبدی فضایی کل کشور، و عدم توسعه پایدار و رشد ناهماهنگ، و توسعه برون زا و تبدیل کشور به واردکننده کالا به جای تولید، ماحصل آن است. چراکه به علت گردش سرمایه و کالای خارجی به همراه پول های نفتی، شهرهای کشور با مادر شهرهای جهانی ارتباطی عمودی یافتند. که این رشد واردات و تقویت بخش خدمات را در پی داشت.

اگرچه پژوهش های سابق وضعیت شهرهای کشور را در زمینه های مختلف به صورت کلی یا جداگانه بررسی کرده اند. ولی پژوهش حاضر وضعیت اقتصادی و تولیدی و تجاری و شغلی مردم شهرهای این دو دوره را در ارتباط با ماهیت تشکیل شهرها و ارتباطات درونی یا برونی آن ها را به صورت مقایسه ای مورد بررسی قرار داده است. که در پژوهش های سابق مشاهده نشده است.

دستآورد این مقاله آنست که با توجه به نکته « گذشته کلید راه آینده » و « بازگشت به خویشتن »، می توانیم همان راهی را که صفویان با تشکیل و توسعه شهرها، اقتصاد تولیدی و صادراتی کشور را شکوفا کردند، در زمان حال نیز می توان همان مسیر را پیمود و نتیجه گرفت.

مطالب این پژوهش می تواند در برنامه های کلان اقتصادی و آمایشی، منطقه ای، شهری و روستایی مورد استفاده و توجه باشد

به هر حال این تحقیق به علت کمی مقالات مقایسه ای، و تحقیقی مستقل در این زمینه با محدودیت هایی روبرو بوده است. لذا به پژوهندگان آتی استفاده از اطلاعات آماری، نرم افزاری، مطالعات میدانی و باستان شناسی و استفاده از اسناد و مدارک را برای مقایسه شهرهای امروز با گذشته پیشنهاد می کنم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- آسایش، حسین (۱۳۷۵)، «اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای»، پیام نور، چاپ اول
- ۲- پیتر، هاگت (۱۳۷۰)، «جغرافیایی ترکیبی نو»، ترجمه شاهپور گودرزی نژاد، سمت
- ۳- تقوی، عابد، هاشمی، حسن، (۱۳۹۱) «حیات اجتماعی مجموعه شهری فرح آباد ساری در عصر صفوی»، نامه های باستان شناسی، شماره ۳، دوره ۲
- ۴- جمالی، فیروز (۱۳۸۵)، «تحلیل بر روند نابرابری در نقاط شهری استان های ایران ۱۳۸۵-۱۳۶۵»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹۵
- ۵- جمال زاده، محمدعلی (۱۳۶۲)، «گنج شایگان»، کتاب تهران
- ۶- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۷)، «مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، تهران، سمت، چاپ نوزدهم
- ۷- حبیبی، سید محسن، (۱۳۹۲)، «از شار تا شهر»، دانشگاه تهران
- ۸- حیدری نژاد، نسیم، (۱۳۹۳)، «بررسی ساخت شهری اصفهان در زمان صفویه از دیدگاه آرمان گرایی»، فصلنامه علمی پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر، دوره ۲۱، شماره ۸۴، ص ۲۱-۱۷
- ۹- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۸) «دولت و شهرنشینی در ایران»، فصلنامه جغرافیایی برنامه ریزی منطقه ای، پیش شماره پاییز و زمستان ۱۳۸۸
- ۱۰- رضوانی، علی اصغر، (۱۳۷۴)، «در روابط متقابل شهر و روستا»، دانشگاه پیام نور.
- ۱۱- زیاری، کرامت الله، (۱۳۷۸)، «اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای»، انتشارات دانشگاه یزد
- ۱۲- سیف الدینی، فرانک، منصوریان، حسن، پوراحمد، احمد، (۱۳۹۲)، «پویایی فضایی- زمانی نظام شهری ایران ۱۳۹۰-۱۳۳۵»، پژوهش جغرافیایی و برنامه ریزی شهری دوره ۱، شماره ۱، ص ۲۱-۴۲
- ۱۳- شکوئی، حسین، (۱۳۷۵)، «جغرافیایی شهری»، دانشگاه پیام نور مطالعات فرهنگی
- ۱۴- صرافی، مظفر، (۱۳۷۷)، «مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای»، تهران، انتشارات برنامه و بودجه
- ۱۵- مجتهدزاده، غلام حسین، (۱۳۷۶) «مقدمه ای بر جغرافیای شهری در ایران»، دانشگاه پیام نور
- ۱۶- مهجور فیروز، (۱۳۸۷)، «ویژگی های شهرسازی در شهرهای دوره صفویه» پژوهش های جغرافیایی، شماره ۳۶، ص ۷۳-۶۵
- ۱۷- نظریان، اصغر، (۱۳۷۴) «جغرافیای شهری ایران»، دانشگاه پیام نور
- ۱۸- نوبهار، الهام، کبیری، محبوبه، عراقی، منصور، (۱۳۹۶) «بررسی عوامل موثر بر رشد جمعیت شهرستان های ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، شماره ۸۳، سال ۲۵، پاییز ۹۶، ص ۳۲-۷
- ۱۹- هاروی، دیوید، (۱۳۵۸)، «شهر و بازار»، ترجمه مبادی زاده، بهروز، نشر نی
- ۲۰- هراسانی، اصغر، (۱۳۶۲)، «اقتصاد و حاکمیت جامعه ایرانی»، انتشارات قدس
- ۲۱- یوسفی فر، شهرام، (۱۳۸۱)، «الگوهای پیدایش شهر و شهرنشینی در تاریخ ایران، مجله تاریخ ایران، شماره ۶۴، بهار ۱۳۸۹

۲۲- یاسوری- مجید،(۱۳۷۴)، «بررسی نابرابری منطقه ای در خراسان رضوی، مجله جغرافیایی و توسعه ، پژوهش و برنامه ریزی روستایی، ناحیه ای، شماره ۱۲، ص ۳۱۷.

۲۳- یزدگرد، فاطمه(۱۳۹۰)، «بازآفرینی پایداری با تاکید بر نقش طبیعت در ساختار کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی» فصلنامه علمی-پژوهش، شماره ۵، پاییز ۱۳۸۰

۲۴- نوابخش، مهرداد، فتحی، سروش(۱۳۸۶)، «رشد و توسعه شهرنشینی در ایران تأکید بر فعالیت های اجتماعی و اقتصادی» فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال ۴، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۶

